

در صفحه ۱۲ بخوانید...  
■ اگر من مسئول فرهنگی بودم... محمود آموزگار  
■ در مسلح عشق | کاوه کوهرین  
■ کشیدن سیبل آتشین بر چهره دموکراسی | مهرداد طهماسبی پور  
... ■

برنده دوم  
بحران عدالت  
سه شنبه اول مهر ۱۳۹۲

برنده اول  
چه کسانی می‌توانند مهندسين اجتماعي باشند؟  
یکشنبه ۶ مهر ۱۳۹۲



## بحث‌هایی پیرامون تبیین و اجرای سیاست‌اجتماعی در نظام‌های سیاسی مختلف - پرونده سوم

# جایگاه مردم



### گفت‌وگو با علی حاجی قاسمی جامعه مدنی ایران؛ لزوم تغییر روش

سازمان‌ها و انجمن‌های جامعه مدنی در ایران اگر از ابزار فشار از پایین برای چانه زنی در بالا درآیند و بدینوسیله باز فشار امنیتی از دوش آنها برداشته شود و به جای درگیر شدن با نهادهای قدرت به مرجع و محور برای گردآوری و پتانسیل‌های اجتماعی در جهت استفاده بهینه از آنها برای حل مسائل روزمره در طیف‌های اجتماعی تبدیل شوند هم به بقای خود کمک می‌کنند و هم در جهت توسعه جامعه نقش شایانی ایفا می‌کنند



### یادداشت

## سیاست‌گذاری اجتماعی درگیر فقدان شایسته‌سالاری است



سیاست‌های اجتماعی دولتی باید است که همه نهادهای دولتی باید هماهنگ‌کننده اجرای آن باشند و این طور نیست که یک نهاد متولی داشته باشد؛ نهاد متولی به معنای شناسایی امور اجتماعی و ابراز وظایف دستگاه‌هاست و اگر دستگاه‌ها با هم هماهنگ

باشند، می‌توانند در سیاست‌گذاری‌ها موفق باشند. برای نمونه وظایف وزارت دادگستری، نیروی انتظامی و قوه مقننه همه به هم رسد دارد. سیاست‌های اجتماعی به تمام این نهادها دربر می‌گیرد. نمی‌توان گفت سیاست‌های اجتماعی فقط به یک نهاد برمی‌گردد و اجرای آن با یک نهاد است و از گان‌های دیگر وظایفی در آن ندارند. برای همین است که همه سیاست‌ها اجرایی ما متلازم مورد پیچ‌های محسوس و خیابانی، یک برنامه نوشته شده است که سازمان بهزیستی باید انجام دهد و ولی در اجرا می‌بینیم دادگستری هم درگیر می‌شود چون با قوانین نوشته شده هماهنگ نیست با نیروی انتظامی وارد می‌شود و می‌گوید اجرای این برنامه با برنامه‌هایشان هماهنگ نیست. ما یکبار به رئیس‌جمهوری پیشنهاد دادیم که اگر می‌خواهد مشکلات اجتماعی که ۲۰ درصد مسائل کشور را دربرمی‌گیرد، حل شود، باید معاونت

سیاست‌های اجتماعی موضوعی است که همه نهادهای دولتی باید هماهنگ‌کننده اجرای آن باشند و این طور نیست که یک نهاد متولی داشته باشد؛ نهاد متولی به معنای شناسایی امور اجتماعی و ابراز وظایف دستگاه‌هاست و اگر دستگاه‌ها با هم هماهنگ باشند، می‌توانند در سیاست‌گذاری‌ها موفق باشند. برای نمونه وظایف وزارت دادگستری، نیروی انتظامی و قوه مقننه همه به هم رسد دارد. سیاست‌های اجتماعی به تمام این نهادها دربر می‌گیرد. نمی‌توان گفت سیاست‌های اجتماعی فقط به یک نهاد برمی‌گردد و اجرای آن با یک نهاد است و از گان‌های دیگر وظایفی در آن ندارند. برای همین است که همه سیاست‌ها اجرایی ما متلازم مورد پیچ‌های محسوس و خیابانی، یک برنامه نوشته شده است که سازمان بهزیستی باید انجام دهد و ولی در اجرا می‌بینیم دادگستری هم درگیر می‌شود چون با قوانین نوشته شده هماهنگ نیست با نیروی انتظامی وارد می‌شود و می‌گوید اجرای این برنامه با برنامه‌هایشان هماهنگ نیست. ما یکبار به رئیس‌جمهوری پیشنهاد دادیم که اگر می‌خواهد مشکلات اجتماعی که ۲۰ درصد مسائل کشور را دربرمی‌گیرد، حل شود، باید معاونت

شده است و تنها در برخی مواقع به صورت موردی شاهد این هستیم که تشکل‌ها و افراد در قالب نهادهای مدنی به‌حق حقوق خود می‌برند. البته آنها نیز با مشکلات عدیده‌ای در این زمینه مواجهند. برای مثال در حوزه هنر، نهادهای بسیاری می‌توانند متولی اجرا باشند. اما برای این نهادهای انجام چنین سروری وجود ندارد و چنین سیاست‌های موجود در رقابت آنهاست. امکان تحقق سیاست‌گذاری‌ها توسط آنها وجود ندارد و در نقش‌شان قرار دارند و این رومی‌تکدان‌طور که باید و شاید متولی اجرای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی باشند به همین دلیل نیز سیاست‌هایی که برای بهبود توسعه موفقیت‌آمیز برای افراد وضع می‌شوند، نمی‌توانند ظهور کند و باید و شاید عملیاتی شوند و حتی بالعکس. اجرای سیاست‌های اجتماعی همواره مانده گرفته

## جای خالی مردم در اجرای سیاست‌های اجتماعی

دولت از طریق حوزه‌های مختلف به پایبندی سیاست‌های اجتماعی می‌پردازد. این امر را نیز طبق ابراز سیاست‌های خود به سایر بخش‌ها مانند وزارتخانه و انجام می‌دهد. به این ترتیب NGOها در تلاشند تا مردم جامعه را نیز در انجام و شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی با خود همراه سازند. این در حالی است که در بسیاری دیگر از کشورها چون ایران، چنین روحیه‌ای وجود ندارد و در حقیقت آنچه در انجام سیاست‌های اجتماعی معقول مانده، همانا نقش مردم است. مسائلی که جامعه به‌افزایی مکانیکی بدل شده‌اند، هر سیاست اجتماعی که توسط متولیان گنشته می‌شود، توسط ما اجرا می‌شود و در حقیقت نقش نهادهای مدنی در اجرای سیاست‌های اجتماعی همواره مانده گرفته

دولت از طریق حوزه‌های مختلف به پایبندی سیاست‌های اجتماعی می‌پردازد. این امر را نیز طبق ابراز سیاست‌های خود به سایر بخش‌ها مانند وزارتخانه و انجام می‌دهد. به این ترتیب NGOها در تلاشند تا مردم جامعه را نیز در انجام و شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی با خود همراه سازند. این در حالی است که در بسیاری دیگر از کشورها چون ایران، چنین روحیه‌ای وجود ندارد و در حقیقت آنچه در انجام سیاست‌های اجتماعی معقول مانده، همانا نقش مردم است. مسائلی که جامعه به‌افزایی مکانیکی بدل شده‌اند، هر سیاست اجتماعی که توسط متولیان گنشته می‌شود، توسط ما اجرا می‌شود و در حقیقت نقش نهادهای مدنی در اجرای سیاست‌های اجتماعی همواره مانده گرفته



دولت از طریق حوزه‌های مختلف به پایبندی سیاست‌های اجتماعی می‌پردازد. این امر را نیز طبق ابراز سیاست‌های خود به سایر بخش‌ها مانند وزارتخانه و انجام می‌دهد. به این ترتیب NGOها در تلاشند تا مردم جامعه را نیز در انجام و شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی با خود همراه سازند. این در حالی است که در بسیاری دیگر از کشورها چون ایران، چنین روحیه‌ای وجود ندارد و در حقیقت آنچه در انجام سیاست‌های اجتماعی معقول مانده، همانا نقش مردم است. مسائلی که جامعه به‌افزایی مکانیکی بدل شده‌اند، هر سیاست اجتماعی که توسط متولیان گنشته می‌شود، توسط ما اجرا می‌شود و در حقیقت نقش نهادهای مدنی در اجرای سیاست‌های اجتماعی همواره مانده گرفته

## چشم‌نگران جامعه، متولی اجرای سیاست‌های اجتماعی

بوند فضای اجتماعی بود. جامعه امکان نظارت بیشتری بر افراد داشت ولی حالا بخش عظیمی از جامعه پشت در‌های بسته کشیده شده و این امکان نظارت را از جامعه گرفته است. شکل گرفتن تشکل‌های مردمی در جامعه می‌تواند ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی را مدیریت کند و فشار را از اطوری بار بیورد که خودشان را در برابر افراد دیگر جامعه مسئولیت‌پذیرند. در یک جامعه در حال توسعه مثل ایران وقتی من اعتراض می‌کنم به کسی که سلسلگ آب را باز کرده و یا مردم را جلوی می‌کند، او به من می‌گوید تو چه کار داری وقتی به یک جامعه ایده‌آل باید می‌گویم چرا خلاف می‌روی می‌گویم مگر تو پلیس هستی یا پلیس یعنی هنوز در جامعه نهادهای نشده که افراد اجازه و حق شهروندی دارند که به نفس قوانین و مقرراتی که مربوط به همه افراد جامعه می‌شود اعتراض کنند. بنابر این پلیس با نیروهای انتظامی یا نهادهای دولتی نباید تنها نهادهای باشند در اجرای سیاست‌های اجتماعی نظارت می‌کنند. اگرچه نظارت سالم و مستمر این نهادها و قانونگذاری درست و اولویت‌های شدن برای شهروندان و با جای متاع خصوصی افراد در اجرای سیاست‌ها بسیار موثر است ولی در ضمن این باعث شده است که افراد جامعه علت این نامتوانی را فقط در مقابل چشم ما قوران رعایت نکنند و حتی سلبان آن‌ها هم رعایت نکنند و بزرگ‌ترین مشکل ما در این باره است. شریین زبانی، خنده بارشو و مجاب

بوند فضای اجتماعی بود. جامعه امکان نظارت بیشتری بر افراد داشت ولی حالا بخش عظیمی از جامعه پشت در‌های بسته کشیده شده و این امکان نظارت را از جامعه گرفته است. شکل گرفتن تشکل‌های مردمی در جامعه می‌تواند ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی را مدیریت کند و فشار را از اطوری بار بیورد که خودشان را در برابر افراد دیگر جامعه مسئولیت‌پذیرند. در یک جامعه در حال توسعه مثل ایران وقتی من اعتراض می‌کنم به کسی که سلسلگ آب را باز کرده و یا مردم را جلوی می‌کند، او به من می‌گوید تو چه کار داری وقتی به یک جامعه ایده‌آل باید می‌گویم چرا خلاف می‌روی می‌گویم مگر تو پلیس هستی یا پلیس یعنی هنوز در جامعه نهادهای نشده که افراد اجازه و حق شهروندی دارند که به نفس قوانین و مقرراتی که مربوط به همه افراد جامعه می‌شود اعتراض کنند. بنابر این پلیس با نیروهای انتظامی یا نهادهای دولتی نباید تنها نهادهای باشند در اجرای سیاست‌های اجتماعی نظارت می‌کنند. اگرچه نظارت سالم و مستمر این نهادها و قانونگذاری درست و اولویت‌های شدن برای شهروندان و با جای متاع خصوصی افراد در اجرای سیاست‌ها بسیار موثر است ولی در ضمن این باعث شده است که افراد جامعه علت این نامتوانی را فقط در مقابل چشم ما قوران رعایت نکنند و حتی سلبان آن‌ها هم رعایت نکنند و بزرگ‌ترین مشکل ما در این باره است. شریین زبانی، خنده بارشو و مجاب



بوند فضای اجتماعی بود. جامعه امکان نظارت بیشتری بر افراد داشت ولی حالا بخش عظیمی از جامعه پشت در‌های بسته کشیده شده و این امکان نظارت را از جامعه گرفته است. شکل گرفتن تشکل‌های مردمی در جامعه می‌تواند ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی را مدیریت کند و فشار را از اطوری بار بیورد که خودشان را در برابر افراد دیگر جامعه مسئولیت‌پذیرند. در یک جامعه در حال توسعه مثل ایران وقتی من اعتراض می‌کنم به کسی که سلسلگ آب را باز کرده و یا مردم را جلوی می‌کند، او به من می‌گوید تو چه کار داری وقتی به یک جامعه ایده‌آل باید می‌گویم چرا خلاف می‌روی می‌گویم مگر تو پلیس هستی یا پلیس یعنی هنوز در جامعه نهادهای نشده که افراد اجازه و حق شهروندی دارند که به نفس قوانین و مقرراتی که مربوط به همه افراد جامعه می‌شود اعتراض کنند. بنابر این پلیس با نیروهای انتظامی یا نهادهای دولتی نباید تنها نهادهای باشند در اجرای سیاست‌های اجتماعی نظارت می‌کنند. اگرچه نظارت سالم و مستمر این نهادها و قانونگذاری درست و اولویت‌های شدن برای شهروندان و با جای متاع خصوصی افراد در اجرای سیاست‌ها بسیار موثر است ولی در ضمن این باعث شده است که افراد جامعه علت این نامتوانی را فقط در مقابل چشم ما قوران رعایت نکنند و حتی سلبان آن‌ها هم رعایت نکنند و بزرگ‌ترین مشکل ما در این باره است. شریین زبانی، خنده بارشو و مجاب